

شنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۹ • ۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۲ • ۱۴ نوامبر ۲۰۲۰

اخبار

گلزن ترین هافبک های حال حاضر فوتبال دنیا

یکی از نکات موفقیت باشگاه در رقابت‌های مختلف نقش حمایت‌کننده هافبک‌های پشت مهاجم و مشارکت در گلزنی است. مشارکتی که به جز پاس گل اگر در بخش گلزنی هم باشد یک گام تیم را در جهت موفقیت بیشتر سوق می‌دهد.

برونو فرناندز: یک سال نیست که به منچستر آمده اما به خوبی توانسته به ستاره تیم در خط میانی تبدیل شود. قبل از اینکه به یونایتد بیاید ۲۰ گل همراه با ۱۳ پاس گل در بنفیکا داشت. او همین روند را در یونایتد ادامه داد به طوری که در ۱۶۰ بازی اخیر مجموعاً روی ۱۴۶ گل مؤثر واقع شده است. او در فصل جدید ۷ بازی انجام داده و ۵ گل زده است. برای یک هافبک فوق‌العاده نیست!

کوبین دوبریو: با ۱۳ گل و ۲۰ پاس گل توانست به عنوان بهترین بازیکن لیگ برتر خودش را معرفی کند. کوبین با وجود درخششی که داشت تابستان جایگاهش را در خطر دید. شایعه جذب مسی باعث شد کوبین هم احساس خطر کند. با این حال بهترین پلی‌میکر و ستاره موردعلاقه مارکو یوگاردیولا می‌باشد.

مارکو روپس: هنوز هم خیلی‌ها اعتقاد دارند اشتباه کرد که به تیمی دیگر نقل مکان نکرد. او اما به دورتموند وفادار ماند و همانجا جاودانه شد. مارکو روپس که این هفته دروازه بایرن را باز کرد در فصلی که گذشت به جز ۱۹ پاس گلی که داد ۱۱ بار هم برای زنبورهای وست فالن گلزنی کرد. او از سال ۲۰۱۳ تاکنون تقریباً ۳۰ مسابقه را در هر فصل انجام داده است. آنخل دی‌ماریا: وینگر پاری‌سن‌ژرمن در فصل گذشته توانست حسابی خوش بدرخشد. ثبت ۱۱ گل و ۲۰ پاس گل برای دی‌ماریا نشان می‌دهد به اندازه کافی در امر گلزنی به مهاجمان تیمش سروس می‌دهد. نکته جالب در خصوص دی‌ماریا این است که در ۵ فصل اخیر بالای ۱۰ گل به ثمر رسانده است.

لوئیس میگل: هافبک تیم ملی پرتغال با پیراهن باشگاه بنفیکا توانسته در امر گلزنی صاحب جایگاه ویژه‌ای شود. او در فصل گذشته ۱۸ گل و ۱۴ پاس گل داشته و نقش ویژه‌ای در موفقیت تیمش داشته است. میگل در این دو بخش حسابی به مهاجمان تیمش کمک می‌کند.

پیش‌بینی درست از آب در آمد

دلیل شادی گِلِ مهدی طارمی با ملی‌پوش پرتغال چه بود؟

یک روزنامه پرتغالی اقدام مهدی طارمی مهاجم ایرانی پورتو در تقسیم شادی با بازیکن تیمک نشین بعد از گلزنی را تشریح کرد. مهدی طارمی مهاجم ایرانی تیم فوتبال پورتو در دیدار گذشته این تیم مقابل پیورتومیننز موفق به گلزنی شد. این بازی در نهایت با برد پورتو تمام شد. طارمی بعد از به ثمر رساندن گل و شادی با بازیکنان داخل زمین، روی چمن ورزشگاه سجده‌ای به نشانه شکر خدا زد و سپس به سمت نیمکت رفت.

روزنامه «اوجوگو» نوشت مهاجم ایرانی پورتو به سمت «روماریو بارو» بازیکن نیمکت نشین این تیم رفت که در تیم زیر ۲۱ سال پرتغال هم عضویت دارد.

این روزنامه ضمن اعلام اینکه بارو یکی از دوستان نزدیک طارمی محسوب می‌شود نوشت: این بازیکن پرتغالی روز یکشنبه به طارمی گفته بود که این مهاجم ایرانی مقابل پورتومیننز بازی می‌کند و گلزنی می‌کند. این پیش بینی درست بود و دلیل اینکه طارمی برای تقسیم شادی به سمت بارو رفت همین موضوع بوده است.

سیامک نعمتی:

تیم قدرتمندی را شکست دادیم میدوارم روند تیم ملی ادامه داشته باشد

بازیکن تیم ملی ایران گفت: مسابقه تدارکاتی خوبی با یکی از تیم های قدرتمند اروپا برگزار کردیم.

سیامک نعمتی درباره برد تیم ملی فوتبال ایران مقابل بوسنی در دیدار تدارکاتی گفت: بازی خیلی خوبی بود. بوسنی یکی از تیم‌های قدرتمند اروپاست که نشان داد از کیفیت بالایی برخوردار است و بازیکنان خوبی دارد. بازیکن تیم ملی ایران افزود: خدا را شکر توانستیم مقابل بوسنی نمایش خیلی خوبی داشته و به پیروزی مهمی برسیم.

او درباره شرایط برگزاری اردوی تیم ملی با هدایت دراگان اسکوچیچ عنوان کرد: شرایط ردد و دیدار تدارکاتی از هر نظر خوب بود. بازی دوستانه خیلی عالی را پشت سر گذاشتیم و این برد را به تمام مردم ایران تبریک می‌گویم. نعمتی خاطرنشان کرد: امیدوارم بتوانیم این روند خیلی خوب را ادامه داده و در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی حضور قدرتمندی داشته باشیم.

نماینده مالزی رسماً از لیگ قهرمانان آسیا انصراف داد

با اعلام کنفدراسیون فوتبال آسیا، تیم فوتبال جوهردارالطغظیم مالزی از حضور در لیگ قهرمانان آسیا انصراف داد و امتیازات و نتایج گذشته این تیم حذف شد.
سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا امروز به صورت رسمی اعلام کرد که تیم جوهردارالطغظیم مالزی از ادامه حضور در مسابقات قهرمانان آسیا انصراف داده است.
به این ترتیب نتایج دو بازی گذشته این تیم در گروه هفتم حذف شد و تغییراتی در جدول این گروه به وجود آمد.
در جدول گروه هفتم سه تیم ویسل –کوبه زاین، گوانگژو چین و سوآن ساسمونگ که جنوبی حضور خواهند داشت.
علت انصراف جوهردارالطغظیم مخالفت مسئولان کشور مالزی با سفر این تیم به کشور قطر محل برگزاری بازی‌های لیگ برتر آسیا بودند.

تمام هم‌تیمی‌هایش کنار زمین خسته جمع شده بودند و مشغول حرکات کششی و سرد کردن پس از یک جلسه تمرین سخت در گرمای تابستان. اما «وستون مک‌کنی» گویی هنوز هم انرژی برای سوزاندن داشت. تیم فوتبال آمریکا در حال استفاده از کمپ تمرینی تیم «کلیولند براون» برای آماده‌سازی خود جهت حضور در جام طلایی ۲۰۱۹ بود و مک‌کنی تصمیم گرفت هم‌بازی‌ها و افراد حاضر در کمپ را سرگرم کند. از این رو سمت تجهیزات تیم فوتبال آمریکایی «کلیولند براون» رفت. در آنجا بود که او شروع کرد به ارسال پاس‌های چند ده متری با دقتی خاص و مثال‌زدنی. حتی از فاصله ۴۰ متری هم تور دروازه را به لرزه درآورد تا گل سرسبیدی باشد برای تمام حرکات جذابش.

«گرگ برهالتر» مربی تیم فوتبال آمریکا در خصوص وستون می‌گوید: «قبه او نگاه می‌کنید و با خود به این نتیجه می‌رسید که از نظر فیزیکی به راحتی می‌تواند یک بازیکن فوق‌العاده در لیگ راگی و فوتبال آمریکایی باشد. او ورزشکار بی‌ظفیری است و حتی خود بازیکنان تیم کلیولند هم که آنجا حضور داشتند، از نمایش او لذت بردند.»

آن دقایق پس از تمرین، ارزش مک‌کنی را در چشم مربیان و هم‌بازی‌هایش بالاتر نيز برد و همین استعداد، انرژی بدون مرز، میل به سرگرمی و چارچوب اخلاقی کارآی‌اش بود که روی هم برای او در سن ۲۲سالگی، انتقال قرضی از شالکه به یوونتوس را رقم زد. دست تقدیر نیز روی شانه‌های مک‌کنی قرار گرفت تا از استعدادش در فوتبال استفاده کند. زمانی که او شش سال داشت، پدرش «جان» که در عضویت ارتش بود، با گزینه تغییر همیشگی مکان خدمتش مواجه گشت و از میان آلاسکا و آلمان گزینه دوم را برگزید. جایی که وستون برای نخستین بار در آنجا با فوتبال آشنا شد.

«تینا» به عنوان مادر خانواده، هر روز وستون را به باشگاه محلی فوینیکس اوترباخ می‌برد تا فرزندش فعالیت تکمیلی فوتبال آمریکایی را بی بگیرد. در نخستین بازی مک‌کنی هشت گل به ثمر رساند تا به سرعت او به رده سنی هشت ساله‌ها ارتقا پیدا کند. جالب اینکه او چندان درباره ورزشی که در آن موفق بود، اطلاعاتی نداشت. در حقیقت تا زمانی که سال ۲۰۰۷ تیم مردان آمریکا برای دیدار دوستانه برابر لهستان راهی شهر «کابیزسلاترن» یعنی شهر محل زندگی وستون شد؛ او چندان با فوتبال آشنا نبود اما در همان زمان به واسطه ملاقات با چند ستاره، با ورزش فوتبال آشنایی پیدا کرد. حتی «لاندن داناون» یک امضای خود را زیر کفش‌های وستون انداخت تا یادگاری از رشمندی به کودکی مشتاق فوتبال بدهد. کودکی که از آن روز تصمیم گرفت یک روز برای تیم ملی آمریکا به میدان برود.

پس از سه سال خانواده مک‌کنی به آمریکا بازگشت و وستون فوتبالی‌اش را در دالاس ادامه داد؛ جایی که به یکی از بهترین هافبک‌های «Box

To Box» در فوتبال آمریکا تبدیل شد و مرتب نامش در ترکیب تیم ملی جوانان ایالات متحده قرار می‌گرفت. شیب پیشرفت او به شدت تند بود و «برد فیدل» مربی تیم نوزده ساله‌های تیم ملی آمریکا چنان تحت تأثیر مک‌کنی هجده ساله قرار گرفت که نامش را در لیست تیم بیست ساله‌ها ثبت کرد. «تاب راموس» مربی وقت تیم بیست ساله‌ها در این خصوص می‌گوید: «نخستین بازخورد من از وستون این بود که او بازیکنی با انرژی نامحدود در میانه میدان است. بازیکنی قدرتمند و سربازی پرتوان برای تیم.»

هم‌زمان ستاره پرفرود در حال اتخاذ تصمیمی مهم برای ادامه فعالیتش بود؛ او پیشنهاد بورسیه در دانشگاه ویرجینیا را مقابل خود دید، از طرفی دالاس نیز به شدت تمایل به حفظ او داشت. اما در همان حین ناگهان شالکه علاقه خود را به صورت رسمی نشان داد تا وستون با فرصت بازگشت به آلمان و بازی در بوندسلیگا روبه‌رو شود. راموس در این باره گفت: «او در کمپ ما در کالیفرنیا بود و شرایط آنجا مهیا شد. وستون از دالاس نزد من آمده بود و بعد آنجا را به قصد آلمان ترک کرد. به من گفت که تجربه زندگی در آلمان را داشته و آلمانی می‌تواند صحبت کند. به نظر می‌رسید او مدت‌ها برای رسیدن چنین پیشنهادی منتظره مانده و زمانی که آن فرصت در خانه‌اش را زده، درنگ نکرد.»

باشگاه شالکه از «نوربرت الکرت» مربی تیم زیر ۱۹ ساله‌های خود که به پرورش افرادی مانند «مسوت اوزیل»، «مانوئل نویر» و «لروی سانه» کمک کرده، خواست تا برنامه‌های باشگاه را برای جوان آمریکایی توضیح دهد. بعد از آن مک‌کنی و خانواده‌اش برای توری جذاب به «فلتینس آرنا» ۶۲ هزار نفری برده شدند. زمانی که آنها در مرکز زمین حضور داشتند، تینا رو به پسرش کرد و گفت: «اینجا روزی نام تو را فریاد خواهد زد.» آرزویی که با ابراز امیدواری وستون پاسخ داده شد.

توانایی‌های مک‌کنی در همان ابتدای حضور در گلزن کرشن، بسیاری را تحت تأثیر قرار داد اما اصول کارآی‌اش بالاتر از آن، میان طرفایان بازیازد خاص‌وعام گشت. به عنوان مثال الکرت گفت:

ستاره ای در قلب یوونتوس



«وس انسانی نشاطبخش است و جو صمیمی و خوبی در تیم ایجاد می‌کند. اما در زمان لازم او به سرعت از شوخی و خنده به جدی بودن تغییر حالت می‌دهد و تماماً روی بازی تمرکز می‌کند.» «تیک تیتیگ» هم‌اتاقی ۱۲ ساله مک‌کنی پیش از انتقالش به یوونتوس نیز نظر جالب در این خصوص در میان گذاشت: «او همواره در رختکن می‌رقصید و شاد بود اما در زمان لازم، به طور کامل جدی می‌شد و روی هدف خود و تیم به طور کامل تمرکز می‌کرد.»

بلوغ و تعهد وستون، پیشرفت سریع او در رده جوانان را رقم زد؛ ۹ماه پس از انتقال به آلمان، به تیم نخست شالکه رسید و ماه می ۲۰۱۷ نخستین بازی خود را برای تیم انجام داد. از همان روز می‌شد حس زد که او در فصل بعدی، به یکی از بازیکنان اصلی تیم تبدیل خواهد شد. در ماه نوامبر، رویای ۱۲ ساله‌اش را به کتاب خاطراتش افزود و در دیداری دوستانه برابر تیم ملی پرتغال جا پای داناون و دیگر ستارگانی که آن‌ها را در هفت سالگی‌اش ملاقات کرده بود گذاشت و نخستین دیدار ملی خود را تجربه کرد. او در بیست‌مین دقیقه بازی با نفوذ به محوطه جریمه حریف، به سومین بازیکن تاریخ آمریکا تبدیل شد که در نخستین بازی ملی خود گلزنی می‌کند! به این ترتیب مک‌کنی در سطح ملی هم ارزش‌های خود را به سرعت نشان داد.

برهالتر این‌گونه می‌گوید: «فقط کافی‌ست با مربیان یا هم‌بازی‌هایش بپرسید؛ وستون انرژی فراوانی دارد و تمرین برای او هرگز تمام نمی‌شود. او همیشه نفر آخر است که زمین را ترک می‌کند.» شالکه فصل ۲۰۱۷ به نایب قهرمانی در بوندسلیگا رسید اما سومدریت و فروش بازیکنان، باعث شد تیم اسیر بحران شود. آن هم در زمانی که مک‌کنی عضو ثابتی از تیم نخست به حساب می‌آمد. ستاره آمریکایی، در این دوران بد، مانند یک رهبر رفتار کرد و هم‌زمان تعهد، انرژی و شخصیتش از او یک شخص محترم در تیم ملی ساخت.

مک‌کنی خارج از میدان هم نشان داد انسان بزرگی است و مانند «مارکوس رشفورد» ستاره باشگاه منچستر یوایتد کنار «تایلر آدمز» و

چرا آرسنال در گلزنی مشکل دارد



ضعیف دفاعی آن ها باعث می شود کارایی سیستم آرتنا پایین بیاید.
پیپه می تواند به راحتی موقعیت گلزنی ایجاد کند اما اگر به دفاع کمک نکند و اجازه دهد یار حریف از کنارش بگذرد، سیستم دفاعی آرسنال چندان دشوار نخواهد بود. تلاش های آرتنا برای برقرار کردن تعادل در دفاع و حمله، باعث می شود بازی های آرسنال از جذابیت کم تری نسبت به گذشته برخوردار باشد.
پیروزی ۰-۱ در خانه منچستریونایتد یک نتیجه عالی برای آرسنال اما در عین حال عملکردی کسل کننده بود که حتی می توانست با پیروزی منچستریونایتد هم همراه شود. همچنین نمرات XG (شانس های ساخته شده برای گلزنی) در بازی آرسنال و استون ویلا که ۱.۴۹، یعنی استون ویلا نسبت به آرسنال بیشتر بود (۱.۳۹)، یعنی آرسنال مقابل استون ویلا خیلی کم جلو می رفت و در یک سوم دفاعی خود مقابل این تیم بسیار ضعیف ظاهر شد.

بازی کردن با یک مدافع بیشتر برای استفاده از سیستم سه دفاعه، مشخصا منجر به از دست دادن یک بازیکن در خط حمله یا میانه زمین می شود. پیرامریک اوپامیانگ، خطرناک ترین مهره خط حمله آرسنال هم به گوشه ها متمایل می شود و این یعنی عمق خط حمله آرسنال قدرت کافی را ندارد.
لاکازت یک مهاجم ۹ کادب با خصوصیات دفاعی بیشتری است که بار پرس کردن را به دوش می کشد و او نیز برای مهاجم نوک بودن، گزینه ایده آلی نیست. آرسنال در برد مقابل منچستریونایتد نشان داد که موثرترین بازیکنان تیمش، در پست وینگر حضور دارند. این یعنی همه چیز به جناحین می رود و در واقع حضور اوپامیانگ به عنوان وینگر چپ، بوکایو ساکا به عنوان وینگ یک چپ و کیرون تیرنی به عنوان مدافع مرکزی چپ، باعث شد جناح راست منچستریونایتد آسیب پذیر شود اما تیم آرتنا با استفاده از همین سیستم، ۰-۳ مقابل استون ویلا شکست خورد. در این دیدار هم خطرناک ترین مهاجم آرسنال یعنی اوپامیانگ ۱۱ مقابل دروازه دور شد و کارایی او در پست وینگر پایین آمد. از الکساندر لاکازت به عنوان یک مهاجم کادب استفاده شد که بیشتر نقش یک هافبک تهاجمی داشت. در کارهای دفاعی، لاکازت به آرسنال برتری عددی می داد اما در خط حمله، او نتوانست خطر ساز شود. نقشه لمس توپ اوپامیانگ از آن بازی مشخص بود که پست بازی او برای یکی از بهترین مهاجمان لیگ، ایده آل نیست. اوپامیانگ وقتی از جناح چپ بیرون می آید تا پای تخصصی خود شوت بزند، طبیعتا موقعیت های مناسب تری برای گلزنی می یابد. دو گل در هشت بازی که یکی از آن ها پالتی بوده، نشان می دهد ثنوری آرتنا در خصوص اوپامیانگ، در آن حدی که او امیدوار بود، کارایی ندارد. راه حل برای حل شدن مشکل بازی ویکناخت و قابل پیش بینی آرسنال می تواند استفاده از مهارت های انفرادی بازیکنانی چون نیکولاس پیپه و مسوت اوزیل در خط حمله باشد اما عملکرد آرسنال از او انتظار داشتند.

روزنامه صبح ایران

استرگیا

شماره ۳۰۸۴

اخبار

بایرن بزرگی خود را نشان داد

بایرن مونیخ با برتری در دیدار حساس و سنتی در کلاسیکبر برابر بروسيا دورتموند، سرانجام موفق شد در فصل جدید بوندسلیگا از لایپزش پشی بگیرد و حالا با ۲ امتیاز بیشتر از «دبول‌ها» به صدر جدول رده‌بندی تکیه بزند. پیروزی ۳ بر ۲ باورایی‌بی‌ها برابر «زنبورهای وستفالن» در دیدار شنبه، بیشتر جوانبی که چنین دیداری را خاص می‌کند در دل خود گنجانده بود. همه جوانبی که می‌توانند به طرق مختلف احساسات شما را خدشه دار کنند و چند دقیقه بعد شما را به اوج آسمان‌ها بفرستند. دقیقه‌ای شما را به زانو درآورند و بعد تخت پادشاهی را به شما پیش‌کش کنند.

جو پیش از این مسابقه، بیشتر از هر چیز دیگری به جدال و دوئل تن‌به‌تن میان دو شوالیه دو تیم مربوط می‌شد؛ یک طرف «رپورت لاوندوفسکی» و در سوی دیگر «ارلینگ برات هالند». نام نخست، در سال جاری به افتخارآتش بیش از پیش افزوده و جنگجوی دوم از دید بسیاری به چشم جانشین لوا دیده می‌شود. مهاجمی عاشق بوگا و مدبیتشین لو گویی قرار است مهاجم نخست دهه جدید باشد اما حتی چنین مهاجمان بااستعدادی هم در زمین وابسته به عملکرد ده نفر دیگر است. در واقع تفاوت در زمین دقیقا جای رقم خورد که لوا در تیمی توپ می‌زند که همه بازیکنان‌شان از انرژی و اعتماد به نفس بالایی بهره می‌برند و از همه مهم‌تر آنکه اشتباهات‌شان را خودشان در میدان تصحیح می‌کنند. باورایی‌ها به علت مدد محلی، مهره‌های تأثیرگذار خود را از دست می‌دهند، گل دریافت می‌کنند و گاهی ارمان‌ش به سمت موفقیت و پیروزی مسدود می‌شود اما هر اشتباه را به چشم یک درس می‌بینند، خود را اصلاح می‌کنند و سپس با چارچوب ساده خود با اعمال فشار از زمین حریف، پرسینگ سنگین و پهرمندی‌از وینگرهای تیزبال، به حریف‌شان ضربه‌ای سنگین‌تر و مهلک‌تر از قبل وارد می‌سازند.

البتة هالند نیز بازیکنان مستعدی را پشت سر خود می‌بیند اما آنها بیشتر به انجام حرکات انفجاری انفرادی تأثیر آمل دارند و «لوسینس فاوَره» تا این لحظه نتوانسته بازیکنان تحت فرمانش را به سطحی بالاتر برساند. با توجه به مهلت مانده از قرارداد فاوَره و عدم تمایل باشگاه به تمدید آن، شاید دیگر هرگز هم چنین فرصت را پیدا نکند.

با مصدومیت «بنجامین یوارد»، «یونا سار»

به عنوان خرید روز پایانی سرخ‌های مونیخی، در ترکیب اصلی باورایی‌ها قرار گرفت. ستاره ۲۸ ساله تا پیش از این فصل، هرگز در لیگ قهرمانان اروپا با پیراهن تیم ملی خود، کفش (فرانسه) حتی یک دقیقه هم بازی نکرده بود. همه می‌دانستند که او برای پر کردن لیست به بایرن پیوسته اما شنبه، بازیکن شماره ۲۰ سرخ‌پوشان، خود را در ترکیب تیم فاتح سه‌گانه و جانشین بازیکن قهرمان جهان، آن هم در جدال با جدی‌ترین حریفش می‌دید.

در امری نه‌چندان غافل‌گیرکننده، دورتموندی‌ها نیز او را به عنوان نقطه هدف مشخص کردند و اغلب با «جیو رینا»، «رافائل گوتروو» و «مارکو روپس» به دنبال استفاده از روزنه‌های موجود در دفاع آنها بودند. هالند سپس در اما زنبورها گویی فراموش کردند که مزیت بایرن آن است که خیلی زود با شرایط جدید وفق پیدا می‌کند!

فشار و پرس بایرنی‌ها در ادامه رقابت، سخت‌تر پیگیری شد تا دورتموند نتواند توپ را با دقت و به دلخواهش جلو ببرد. هر زمان که سار نفوذ می‌کرد، سایر باورایی‌ها مطمئن می‌یافتند که فضای پشت سر او را به طور کامل پوشش داده‌اند. پروسه نیز مشخص بود؛ «ژروم بوانتنگ» برای پوشش به سمت راست می‌رفت، «دیوید آلابا» بازی فشرده‌تری را به نمایش می‌گذاشت و «لوکاس هراندرز» نیز در نقش یک مدافع میانی اضافه به ایفای نقش می‌پرداخت. زردپوشان وستفالن هم با بهره‌مندی از ستاره‌های همچون هالند سریع و قدرتمند، به استفاده از تک‌فرصت‌های‌شان در جریان مسابقه می‌اندیشیدند. او حتی یک مرتبه به خوبی «توماس مولر» را پشت سر گذاشت اما پرچم کمک‌داور مانع از پیشروی بیشتر او شد چرا که ارلینگ در تله آفساید باورایی‌ها گیر افتاده بود. هالند سپس در صحنه‌ای با خطا، بوانتنگ را نقش بر زمین کرد و در ادامه نگاه عصبانی مدافع کهنه‌کار آلمانی به او صحنه جالبی خلق کرد.

بایرن حلق هالند را با حرکت تند و تیز «سرژ گنباری» پاسخ داد؛ ستاره‌ای که «موس مونیخ» را خیلی راحت پشت سر گذاشت و توپ را برای لوا ارسال کرد تا مهاجم لهستانی توپ را به تور دروازه بچسباند. هر چند داوَر ویدیویی این گل را به درستی مردود اعلام کرد اما همین گل نشان داد که بایرن تا چه حد می‌تواند خطرناک باشد.

سپس قسمت بد داستان برای تیم تحت رهبری «هانس دیتِر فلیک» رقم خورد؛ جایی که پاس ضعیف از سوی سار به سمت «باشوا کیمیش» باعث شد او توپ را از دست بدهد و در تلاش برای بازیابی گریز آن ها هالند درگیر شود. اشتباهی روانی و فیزیکی از سوی کیمیش می‌توانست برای او کارت قرمز به همراه داشته باشد اما اتفاقی تلخ‌تر برایش رقم خورد؛ مصدومیتی سنگین که شاید علت برایش به قیمت از دست رفتن رقابت‌های جام می‌تواند گفته شود. کیمیش از زمین خارج و به جایش «کوروتتا تولیسو» با به مستطیل سبز گذاشت. در آن لحظات برای دقایقی اینگونه تصور شد که فاوَره با بیرون رفتن موتور محرکه بایرن، راه نفوذ و شکست رقیب را یافته‌است. در ادامه و در دقایق پایانی نیمه نخست، گوتروو از جناحی که سار در آن حضور داشت، نفوذ کرد و با ارسال خوب توپ، باعث گلزنی روپس شد. به نظر دورتموند در راه کسب پیروزی بود اما آخرین دقیقه وقت‌های اضافه نیمه نخست بود که «توماس دیلینی» روی گنباری در پشت محوطه خطا کرد. لاوندوفسکی، گنباری و آلابا پشت توپ ایستاندند و سرانجام پس از چند دقیقه مکالمه، آلابا توپ را به تور دروازه «رومن بورکی» رساند. این گولبد که یکی از بدترین اتفاقات در فوتبال، کل خوردن پیش از سوت پایان نیمه اول است ولی اگر این گل، کل تساوِی‌بخش از سوی رقیب باشد، شرایط کمی بدتر نیز می‌شود.